

تطبیق منظر معنایی رنگ‌ها در قرآن کریم و ادبیات کنایی فارسی

رضا رفیعی راد*

دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی، دانشکده هنرهای صناعی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

محمد خزائی

استاد تمام، هیئت‌علمی گروه گرافیک دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

اگرچه رنگ‌ها در جنبه فیزیکی خود، تنها بازتاب طول موج خاصی هستند، اما در فرهنگ بشری، محملی برای بیان احساسات، توصیفات، تخیلات، رمزاها و نمادها و دیگر شئون انسانی شدند. اهمیت این موضوع چنان است که رنگ‌ها، هم در زبان مخلوق و هم در زبان خالق، با اشکال و مفاهیم مختلف مورد استفاده قرار گرفته‌اند. قرن‌ها تعامل تفسیر قرآنی و ایرانی از جهان ایجاب می‌کند که عناصر و المان‌های فرهنگی آن‌ها و تأثیر و تأثرشان نسبت به یکدیگر مورد بررسی قرار گیرد. سؤال این است که کارکردها و دلالت‌های معنایی رنگ‌ها در قرآن کریم و ادبیات کنایی فارسی، چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی باهم دارند؟ همچنین آیا قرآن کریم تأثیراتی در گسترش معنای کنایی رنگ در ادبیات فارسی برجا نهاده است؟ در پاسخ به این سؤالات، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی، که از طریق جمع‌آوری کنایات موجود در سه دائرةالمعارف «دهخدا»، «عمید» و «فرهنگ کنایات فارسی» همچنین جمع‌آوری تمامی آیاتی که در آن‌ها، رنگ‌ها به کار رفته‌اند و نیز منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، به نتایج دست یافت. قرآن کریم و کنایات فارسی، در توصیف وضعیت معنوی و جسمانی انسان، پدیده‌های طبیعی، توصیف رنگ پدیده‌های ایده آل بهشتی و رنگ مربوط به معجزه خاص، در کارکرد و دلالت‌های معنایی رنگ، اشتراکاتی دارند. تفاوت این است که رنگ‌ها در قرآن، برای توصیف فراواقع‌گرایانه پدیده‌های طبیعی در قیامت نیز به کار رفته و کنایات نیز علاوه بر کارکردهای مشترک، از رنگ‌ها، برای بیان آشکارگی و ظاهر بودن و همچنین برای توصیف یک مکان و یا شیء نیز بهره گرفته‌اند. نیز می‌توان تأثیرات قرآن کریم بر ادبیات کنایی فارسی را در دلالت‌های معنایی رنگ‌ها، در رنگ سفید (معجزه موسی) و رنگ سبز (لباس بهشتیان) و رنگ کبود برای چشم (سیه‌روزی و اندوه) مشاهده نمود. همچنین منظر معنایی رنگ‌ها در قرآن بیش از دلالت‌های کنایی و اکسپرسیو، بر واقع‌گرایی استوار است.

واژگان کلیدی

کنایه، رنگ، قرآن کریم، ادبیات کنایی، اکسپرسیون.

مقدمه

زبان‌ها هرگز به خاطر خود زبان‌ها به وجود نیامده، بلکه همواره در خدمت شئون مختلف زندگی انسان و در جهت ارتقای وضعیت زندگی او بوده‌اند. زبان، پایه‌های اصلی ارتباطات انسانی را شکل می‌دهد و با حیات و بقای آن‌ها در ارتباط است (Trudgill, 1979, p. 13). زبان همچنین حامل اطلاعات بسیار مهمی نظیر: ساختار اجتماعی، ساختمان ارزش‌های جامعه، ساختار سیاسی، روابط خانوادگی، اقتصادی و دیدگاه‌ها به جهان نیز هست (Cover, 1975, p. 235-339). همچنین، زبان پرکاربردترین ابزار ارتباطی بین افراد جامعه است (Al-Qazwini, 1424, p. 3). نزول قرآن کریم به صورت کلمه، نشان‌دهنده آن است که خدا نیز از طریق زبان با انسان‌ها ارتباط برقرار کرده و زبان را محملی برای پیام خود برگزیده است. چنان‌که نشان داده خواهد شد، در زبان قرآن کریم، اشارات مستقیم و غیرمستقیمی به رنگ با منظر معنایی خاص وجود دارد. از طرف دیگر، در ادبیات

کنایی فارسی نیز می‌توان ملاحظه نمود که برخی کنایات، از رنگ در جهت رسانش مفهوم استفاده نموده‌اند. زبان، برای رنگ‌ها، کلمات مشخصی را اختصاص داده است. اما باید توجه داشت که تفکیک نام رنگ‌ها، در لبه باریکی از مفاهیم قرار دارد، این مفاهیم، بین جایی که زبان از بین می‌رود و جایی که زبان در قدرتمندترین حالت خود ظاهر می‌شود قرار دارند.» (Tent, 2018, p. 25). هدف مقاله، مقایسه کارکرد مفهومی رنگ‌ها در قرآن کریم و ادبیات کنایی فارسی است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که مفاهیم رنگ‌ها در قرآن کریم و ادبیات کنایی، تا چه اندازه شباهت یا تفاوت دارند؟ یافته‌های این پژوهش، علاوه بر نشان دادن شیوه‌های کاربست معنایی رنگ در قرآن و ادبیات فارسی، و جزئیات ارتباط میان آنها، میزان تاثیرات کارکرد معنایی رنگ‌ها در قرآن کریم، بر ادبیات کنایی فارسی را نیز تا اندازه‌ای مشخص خواهد نمود.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی را که درباره رنگ در قرآن کریم در ایران انجام شده‌اند، می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: دسته اول؛ مطالبی درباره رنگ در قرآن کریم و احادیث را با مطالبی درباره فیزیک و روانشناسی رنگ، جمع‌آوری نموده و مقایسه‌هایی انجام داده‌اند بیشتر این پژوهش‌ها، از نظر جمع‌آوری مطلب قابل اعتنا هستند. از این نمونه‌ها می‌توان به کتابی تحت عنوان «رنگ‌شناسی از دیدگاه قرآن کریم و حدیث (روان‌شناسی رنگ‌ها و بررسی ۵ رنگ ذکرشده در قرآن کریم)» نوشته گروه تحقیق با نظارت محمد بیستونی، اشاره نمود که به جمع‌آوری رنگ‌ها در قرآن کریم و روایات پرداخته و به موضوعاتی نظیر فیزیولوژی رنگ‌ها، روانشناسی رنگ، نقش بعضی از رنگ‌ها در درمان، تأثیر رنگ در موجودات زنده، رنگ‌های متعادل در طبیعت، انتخاب رنگ مناسب برای نوشتن و خواندن، رنگ‌های روشن و پنج رنگ ذکرشده در قرآن کریم (Bistoni, 2006, p. 20-50) پرداخته است. همچنین از این دسته می‌توان به برخی پژوهش‌های دیگری مانند: «رنگ از منظر قرآن کریم، حدیث و روانشناسی» نوشته علی شریفی در نشریه علوم قرآن و حدیث اشاره نمود. این مقاله بیان می‌دارد که «در قرآن از رنگ‌های آبی، زرد، قرمز، سبز، سیاه و سفید یاد شده است و تأثیر آن‌ها بر انسان به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم بیان شده است.» (Sharifi, 2017, p. 148). دسته دوم؛ در جستجوی ارائه معنای خاصی از رنگ در قرآن کریم هستند که در این راستا می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «رنگ‌ها و پیام‌ها در قرآن کریم» نوشته طیب بلوردی، در فصلنامه علمی ترویجی مشکوه، اشاره نمود. یافته‌های این مقاله حاکی از آن است که رنگ در قرآن کریم هم از منظر روانشناسی و هم از منظر فیزیولوژیک به کار گرفته شده، و تنها موردی که این پژوهش به مسئله پیام‌های رنگ در قرآن کریم پرداخته، این است که تنوع و تفاوت رنگ‌ها در قرآن کریم، نشانه‌ای

از آیات الهی است تا انسان را به پاکی فطرت و رنگ الهی و حذف همه رنگ‌ها برساند (Bolverdi, 2008, p. 101). دسته سوم، مقالاتی هستند که به رنگ در قرآن کریم از منظر نشانه‌شناسی پرداخته‌اند مانند «رویکرد نشانه‌شناختی به مفهوم رنگ و کاربست آن در قرآن کریم» نوشته فیروزه محمدی حسن‌آبادی در نشریه «پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن کریم» است که در تحلیل واژگان رنگ در قرآن کریم از رویکردهای نشانه‌شناسی مانند درون‌متنیت و تفاوت (روابط هم‌نشینی و جانشینی) بهره گرفته (Mohammadi Hassan Abadi, 2014, p. 87-91) و نتایج مفیدی را ارائه نموده است. دسته چهارم نیز، یکی از رنگ‌های قرآن کریم را مورد بررسی قرار داده‌اند. مانند مقاله «رنگ سفید از منظر قرآن کریم و روانشناسی» نوشته علی شریفی و مجید جوکار در پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، که تنها خصوصیات رنگ سفید در قرآن کریم و روانشناسی باهم ادغام شده و نتیجه حاکی از آن است که مفاهیم رنگ سفید در قرآن کریم و روانشناسی رنگ باهم یکسان هستند (Sharifi & Jowkar, 2010, p. 105-106). دسته پنجم؛ مانند مقاله «کاربرد نمادین رنگ‌ها در قرآن کریم» نوشته عزیزی پور و دیگران در نشریه «مطالعات قرآن کریم» به کارکرد نمادین رنگ در قرآن کریم اشاره دارند. در مجموع این پژوهش‌ها دارای برخی اشکالات نیز بودند. به‌عنوان مثال: در بیشتر این مقالات مشخص نیست که منظور از روانشناسی رنگ، کدامیک از نظریه‌های موجود در حوزه روانشناسی رنگ است. یا در پژوهش‌هایی که هدف قرآن کریم را حذف همه رنگ‌ها و تنها رنگ خدایی را به‌عنوان رنگ قابل قبول معرفی نموده، جنبه‌های فیزیکی و جنبه‌های استعاری رنگ باهم خلط شده است. چراکه اگر این یافته صحیح می‌بود، در نتیجه، رنگ‌ها در قرآن کریم، مایبستی فقط معنای منفی داشته باشند. درحالی که این چنین نیست.

نابینایی زیرا حدقه چشم نابینایان، آبی‌رنگ می‌شود (Aboo Saood, 1411, p. 41). رنگ سبز نیز در تفکر اسلامی رمز خیر و ایمان بوده و به همین دلیل در پرچم‌های عربی و گنبدها و پرده کعبه مورد استفاده قرار گرفته است (Alshaher, 2002, p. 2). همچنین می‌توان مشاهده کرده که، بیش از هفتاد درصد رنگ‌های به کاررفته در پرچم‌های کشورهای اسلامی، رنگ سفید (۷۶ درصد) و رنگ قرمز (۷۲ درصد) است (Bakhtyari & Zangi, 2014, p. 167). بدین ترتیب رنگ‌ها، کاربردهای معنایی وسیعی دارند که قرآن نیز از برخی از این نوع کارکردها بهره برده است. مسلمانان معتقدند که قرآن را باید با استفاده از روشی ویژه که متناسب متن است، مورد استفاده قرار داد و در نتیجه، این امر، اعمال اصول نظریه‌های ادبی را برای آن دشوار می‌کند. رودی پارت^۲ بیان می‌کند که اعتقاد مسلمین بر آن است از آنجاکه قرآن، کلامی الهام گرفته شده از خداوند است، بنابراین همیشه در بهشت به شکل اصلی و ایده‌آل خود وجود داشته است. بنابراین، قرآن به‌واقع یک اثر ادبی نیست و نمی‌تواند اثر مطالعات ادبی قرار گیرد (Rahman, 2012, p. 24). اما لازم به توضیح است که اگرچه قرآن، کتابی صرفاً ادبی نیست، اما برخی را عقیده بر این است که به رسمیت شناختن وجوه ادبی قرآن، راه‌هایی را برای آگاهی از ابعاد معنوی آن باز می‌کند (Johns, 1993, p. 103). این پژوهش، مطالعه‌ای است که در آن انواع دلالت‌های معنایی رنگ‌ها در قرآن و کنایات فارسی مورد بررسی و تطبیق قرار می‌گیرد. در ادامه به تعاریف مختلف کنایه پرداخته و انواع کنایه ذکر خواهد شد. سپس رنگ‌هایی که در قرآن کریم به کاررفته‌اند، بیان نموده و مفاهیم و معناهای بکار رفته آن‌ها در آیات، دسته‌بندی خواهد شد. آنگاه از میان کنایاتی که رنگ در آن‌ها به کاررفته، کنایاتی را که در رنگ با قرآن کریم مشترک هستند را جدا نموده و مفاهیم این دو باهم تطبیق می‌شود.

۴. کنایه و انواع آن

کنایات، تابعی از زندگی روزمره ما هستند و عمیقاً درون سیستم فکری و فرهنگی ما گنجانده شده‌اند. آن‌ها به‌سان کانال‌های ارتباطی عمل می‌کنند که «امکان درک یک مفهوم را از طریق مفهومی دیگر» را فراهم می‌آورند. همچنین کنایات می‌توانند مفاهیم را برون‌ریزی نمایند و عامه مردم، برای تفسیر جهانی که در آن زندگی می‌کنند، از آن‌ها استفاده می‌نمایند (Matusitz & Olufowote, 2016, p. 18-19). قابلیت‌های منحصر به فرد کنایه، سبب شده تا در زبان و ادبیات کارکردهای گسترده‌ای داشته باشد. از دلایل کاربرد کنایه می‌توان به «آگاه کردن از زیادی قدرت»، «آزمودن زیرکی مخاطب»، ترک لفظ به آنچه زیاتر است»، «نیکو ادا کردن لفظ»، «قصده بلاغت»، «قصده مبالغه در تشنیه یا تحسین»، «آگاهی دادن از عاقبت امری»، «اختصار»، «بیان جمله‌ای که معنایش خلاف ظاهرش باشد»، «ارائه مفاهیم مجرد در قالب محسوس»، «به دلیل ترس»، «توقیر و تعظیم» و «اثبات برهان و مدعا» (Tahari, 2015, p. 103-107) اشاره کرد. در ادامه معنای کنایه را مورد بحث قرار می‌دهیم.

ایماژ، برای اولین بار توسط شفیع کدکنی، تحت عنوان صور خیال، وارد مطالعات نقد ادبی ایران گردید. او خیال را با این واژه معادل گرفته است. در دائره‌المعارف نیز ایماژ^۳ به معنای عکس، شبیه، شکل و شمایل آمده است. صور خیال در واقع بر مجموعه‌ای از تصاویر شعر

به‌عنوان مثال: پژوهش ما نشان می‌دهد که سفید، برای بیان زیبایی فرشتگان و سبز برای بیان فضای بهشتی و لباس بهشتیان در قرآن کریم به کاررفته است.

با این حال این پژوهش‌ها، جمع‌آوری رنگ‌های قرآن کریم را کم‌وبیش متفاوت انجام داده‌اند که در پژوهش حاضر، سعی شد با نیم‌نگاهی بر این جمع‌آوری‌ها، درستی نمونه‌گیری، مورد آزمون قرار گیرد.

همچنین پژوهش‌های قابل توجهی در زمینه اهمیت شگردهای بلاغی کنایه در ادبیات، انجام گرفته است. یکی از این تحقیقات مربوط به تحقیقاتی است که در دانشگاه یوتا^۴ به انجام رسیده است که در آن، یک دستگاه تحلیلی متون پیشنهاد می‌شود که به‌عنوان نمونه تاریخ بیهقی را با رویکرد ادبی کارکرد کنایه، از منظر حقیقت و دروغ مورد تحلیل قرار می‌دهد. و سه روایت از این تاریخ را از منظر کارکرد مهم کنایه در تصویرسازی تاریخی، در این کتاب تحلیل می‌کند (Amirsoleimani, 1999, p. 244). در زمینه تعاریف مربوط به چیستی و دلالت‌های کنایات، به کتاب «بیان» نوشته‌ی شمیسا و کتاب «معانی و بیان» جلیل تجلیل، همچنین «الکنایه و التعریض» نوشته ابومنصور تعالی و دیگر منابع مراجعه شد. برای جمع‌آوری کنایات نیز از فرهنگ‌های «دهخدا»، «عمید» و «کنایات سخن» استفاده شد.

۲. روش پژوهش

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی با رویکردی تطبیقی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به جستجو برای پاسخ به سؤالات و تطبیق منظر مفهومی رنگ می‌پردازد. پاسخ به سؤال این پژوهش می‌تواند روشن کند که این کتاب مقدس در کارکرد مفهومی عنصر بصری رنگ، تا چه اندازه بر ادبیات کنایه تأثیرگذار بوده یا شباهت دارد. رویکرد این پژوهش متکی به متن دینی بوده و به ترجمه قرآن کریم از محمد مهدی فولادوند مراجعه شده، همچنین ۳۷۵۰ کنایه فارسی از سه دائره‌المعارف فارسی، «دهخدا»، «معین» و «فرهنگ کنایات سخن» نوشته دکتر انوری جمع‌آوری شد. که از میان آن‌ها، ۱۳۷۱ کنایه که از رنگ‌ها استفاده کرده بودند، مشخص و مورد بررسی قرار گرفت.

۳. مبانی نظری پژوهش

رنگ‌ها، عناصر مهمی در تصویرسازی اشکال مختلف زبان و ادبیات هستند زیرا با همه شئون زندگی مانند علوم، روانشناسی، دین، فرهنگ و هنر و اسطوره در ارتباطی تنگاتنگ هستند (Sharif, 1974, p. 1). کاربرد رنگ‌ها، تنها برای تفاوت قائل شدن میان اشیاء نیست بلکه هر رنگ، حامل معنای فکری و فرهنگی بوده و تأثیرات فراوانی در انسان بر جا می‌گذارد (Alshaher, 2002, p. 2-3). کاربرد رنگ‌ها در زبان و ادبیات، صرفاً جهت تزئین کلام نیست بلکه با مفهوم و بلاغت ارتباط دارد. (Asfoor, 2003, p. 281) شفیع کدکنی معتقد است، بسیاری از امور معنوی که به حس زیبایی درمی‌آیند از طریق توسعه رنگ‌ها توسط استعاره‌های خاص و مجازها با صفتی از صفات رنگ‌ها، نشان داده شده‌اند (Shafiee Kadkani, 1987, p. 274). در میان اعراب، منفورترین رنگ برای چشم، رنگ آبی بود و به‌عنوان نفرین، به دشمنان «ازرق العین (آبی باد چشمانش)» می‌گفتند. و زرقا یعنی

دلالت دارد که از قدیم به‌عنوان چهار مؤلفه مهم کنایه، تشبیه، استعاره و مجاز شناخته می‌شدند. شفیعی کدکنی معتقد است به مجموعه تصرفات بیانی و مجازی (از قبیل تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز مرسل، تمثیل، نماد، اغراق و مبالغه، اسناد مجازی، تشخیص، حسامیزی، پارادوکس و غیره) اطلاق می‌شود (Shafiee Kadkani, 1987, p. 9-12). طبق تعاریف، کنایه، بیان مطلبی و دریافت مطلبی دیگر است، یعنی ترکیب کلمه یا جملاتی است که به‌جای معنای ظاهری، مراد یکی از لوازم معنای آن است. مثلاً مقصود از کنایه «در خانه‌ی فلانی باز است»، بر بخشندگی آن فرد دلالت می‌کند. چراکه لازمه بخشنده بودن فرد، باز بودن درب منزل او به روی مردم است (Shamisa, 2014, p. 65-66). همچنین کنایه «پوشیده سخن گفتن است» به‌طوری که لفظی ایراد شود و معنی غیر حقیقی آن مراد گردد، به‌طوری که بتوان معنای حقیقی را نیز از آن مستفاد کرد (Tajlil, 2011, p. 80). ابومنصور ثعالبی، کنایه را مشتق از «کنیت‌الشیء اکتبته» به معنای پوشاندن چیزی گرفته‌شده و گاه، «کنانه» نیز عنوان گردیده است. «آنگاه که چیزی را پوشیده داری، بگویی کنیت‌الشیء و کنایه از آن جهت کنایه نامیده شده که معنایی را می‌پوشاند و معنای دیگری را آشکار می‌سازد» (Al-Taalabi, 1998, p. 241).

کنایه دارای دو رکن است. یکی «مکنی به» و دیگری «مکنی عنه». کنایه به اعتبار مکنی عنه دارای انواعی است. یک نوع آن، کنایه از موصوف (اسم) است. در این نوع کنایه، وصف آن اسم را به‌جای اسم می‌آوریم (Kazazi, 1989, p. 168). مثلاً سعدی در دیوان اشعار در غزل ۲۲۶ می‌گوید: «به سرو گفت کسی میوه‌ای نمی‌آری / جواب داد که آزادگان تهی‌دست‌اند.» که در اینجا «آزادگان تهی‌دست» به‌جای «سرو» به‌کاررفته است.

نوع دوم آن کنایه از صفت است. وقتی معنای ظاهری، صفتی است که ما باید از آن متوجه صفت دیگر، یعنی معنای باطنی شویم. مثلاً در شعر خاقانی «دهر سیه کاسه‌ای است ما همه مهمان او / بی نمکی تعبیه است در نمک خوان او» سیه کاسه، کنایه از پلیدی و بخیلی روزگار و بی‌نمکی، بدون جاذبه بودن زندگی را می‌رساند (Kazazi, 1989).

همچنین نوع دیگر کنایه، کنایه از فعل است. که در این نوع کنایه، فعلی را به چیزی یا کسی نسبت دهیم، اما معنای دیگری را از آن دریافت کنیم (Kazazi, 1989, p. 167). مانند شعر سعدی: «آیین‌های طلب کن تا روی خود ببینی / وز حسن خود بماند انگشت در دهانت» که در آن کنایه «انگشت به‌دهان ماندن»، به معنای فعلی «حیرت کردن» آمده است.

چهارمین نوع کنایه، کنایه از نسبت، کنایه‌ای است که در آن، نسبت امری به امر دیگر، نفیاً یا اثباتاً اراده شود. مانند آیه ۶۰ سوره مائده: «ولئک شر مکانا» که اثبات شر برای مکان آنان، کنایه از اثبات شر برای خود ایشان است (Al-Zamakhshari, 1417, p. 653). انواع دیگری نیز از تقسیم‌بندی کنایه نیز وجود دارد. مثلاً گاهی واسطه میان معنی عبارت اول و دوم متعدد بوده و فهم کنایه دشوار است که به آن تلویح می‌گویند (Ahmadnejad, 2003, p. 68). مانند «بازویت را قوی می‌گردانم» در آیه ۳۵ سوره قصص، تلویحاً به معنی تقویت و نیرو دادن به موسی (ع) است (Tabataba'i, undated, p. 35) و گاهی نیز عبارتی است در نکوهش، ریشخند و یا اندرز، که تعریض نام دارد.

مثلاً عبارت «ذات الواح و دُسر» از نظر لغوی به معنای «دارای تخته‌ها و میخ‌ها» است که خدای تعالی آن را کنایه از کشتی آورده است (Al-Darwish, 1994, p. 379).

۵. رنگ‌های به‌کاررفته در قرآن کریم و مفاهیم آن‌ها

در آیات قرآن کریم، نام رنگ سفید، دوازده بار در آیات (آل عمران: ۱۰۶)، (اعراف: ۱۰۸)، (بقره: ۱۸۷)، (شعراء: ۳۳)، (طه: ۲۲)، (نمل: ۱۲) (یوسف: ۸۴)، (صافات: ۴۶)، (صافات: ۴۹)، (قصص: ۳۲)، (فاطر: ۲۷)، (مریم: ۴) زرد روشن (صفراء فاقح): یکبار در آیه (بقره: ۶۹): زرد مایل به قهوه‌ای سه بار در آیات (حدید: ۲۰)، (روم: ۵۱)، (زمر: ۲۱)، زرد شتری، یک بار در آیه (مرسلات: ۳۳)، قرمز، دو بار در آیات (فاطر: ۲۷)، (رحمن: ۳۷)، سبز و سبز پر رنگ مایل به سیاه (مُدْهَامَاتَانِ)، هشت بار در آیات (حج: ۶۳)، (انعام: ۹۹)، (یوسف: ۴۳)، (یوسف: ۴۶)، (انسان: ۲۱)، (کهف: ۳۱)، (رحمن: ۷۶)، کبود، یک بار در آیه (طه: ۱۰۲) و سیاه نیز نه بار در آیات: (آل عمران: ۱۰۶)، (النحل: ۵۸)، (بقره: ۱۸۷)، (الزمر، ۶۰)، (الزخرف: ۱۷)، (ملک: ۲۷)، (فاطر: ۲۷)، (عبس: ۴۱) قتره، (اعلی: آیه ۵) احوی، به صورت اشاره مستقیم و با استفاده از واژه اصلی و مشتقات آن نام برده شده است.

به‌این ترتیب، تعداد هر کدام از رنگ‌ها مشخص شد. به‌غیراز سیاه و سفید، تیره‌ترین رنگ در نظام رنگ‌بندی قرآن کریم، سبز پررنگ مایل به سیاه (مدهاماتان) و روشن‌ترین رنگ آن نیز زرد روشن است. بیشترین تعداد استفاده از رنگ به‌غیراز سیاه و سفید، مربوط به رنگ سبز است. این رنگ‌ها در آیات، به معنای مختلفی دلالت می‌کنند. لازم است پیش از پرداختن به ادامه بحث، ابتدا این معناها را از روی معنای آیات و در صورت لزوم با استفاده از تفاسیر روشن نمود.

۶. مفاهیم رنگ‌ها در قرآن کریم

بدین ترتیب با جمع‌آوری آیاتی که در آن‌ها از رنگ‌ها استفاده‌شده، به دسته‌بندی معنا و مفهوم هر رنگ در قرآن کریم به‌صورت جدول‌های مجزا می‌پردازیم.

۶-۱. رنگ سفید

رنگ سفید در قرآن کریم در هفت مورد به‌کاررفته است:

پایداری بر ایمان و سعادت ابدی: در سوره آل عمران آیه ۱۰۶، این آیه رنگ چهره را بر اساس اینکه انسانی بعد از ایمان، کافر شده یا نشده، تقسیم‌بندی کرده و سفید شدن چهره «تَبَيُّصٌ وَجْوهٌ» به پایداری بر ایمان دلالت می‌کنند.

رنگ معجزه دست حضرت موسی: عبارت «وَوَضَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ» در سوره‌های (اعراف: ۱۰۸) و (شعراء: ۳۳)، عبارت «تَخْرُجُ بَيْضَاءً مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» در سوره‌های (طه: ۲۲)، (نمل: ۱۲) و (قصص: ۳۲) اشاره به رنگ سفید و معجزه‌آسای دستان حضرت موسی (ع) دارند.

عیب و بیماری، ناینایی، پیری: در سوره نمل آیه ۱۲، «تَخْرُجُ بَيْضَاءً مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» اشاره به معجزه حضرت موسی (ع) دارد. قرآن با عبارت «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» اشاره می‌کند که این سفیدی، با سفیدی که محصول عیب و بیماری است متفاوت است. در نتیجه، رنگ سفید در قرآن بر بیماری و عیب نیز دلالت می‌کند. در سوره



لباس بهشتیان: رنگ سبز در سوره انسان آیه ۲۱: «سُنْدُسٍ خُضْرٌ» و آیه ۳۱ سوره کهف: «ثِيَابًا خَضْرًا» برای توصیف رنگ لباس بهشتیان به کار رفته است.

فرش و بالش بهشتی: رنگ سبز در سوره الرحمن آیه ۷۶: «رَفْرَفٍ خُضْرٍ» برای توصیف فرش و بالش‌های بهشتی به کار رفته است.

باغ‌های بهشتی: در سوره الرحمن آیه ۶۴: «مُدْهَامَاتَانِ» باغ‌های بهشتی را از نظر رنگ توصیف می‌کند.

۵-۶. رنگ کبود

تنها یک بار از رنگ کبود در قرآن کریم استفاده شده است. برخی زُرْقًا در: «نَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا» در سوره طه آیه ۱۰۲، چشم کبود و برخی دیگر (مکارم شیرازی) برای بدن‌های کبود ترجمه نموده‌اند.

۶-۶. رنگ سیاه

رنگ سیاه در نه آیه مورداستفاده قرار گرفته است:

کفر ورزیدن بعد از ایمان: در سوره آل عمران آیه ۱۰۶: «تَسْوُدُ وُجُوهُ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ» که سیاه شدن چهره را به دلیل کفر ورزیدن بعد از ایمان می‌داند.

دروغ بستن به خدا: در عبارت: «الَّذِينَ كَذَّبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ» در سوره مبارکه زمر آیه ۱۸۷، نیز سیاه شدن چهره را به دلیل دروغ بستن بر خدا می‌داند.

خشم: همچنین در آیات ۵۸ سوره نحل: «وَوَجْهًا مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» و نیز آیه ۱۷ سوره الزخرف، خشم نیز دلیل سیاه شدن چهره معرفی می‌گردد.

ابر و دود سیاه غم و اندوه: در آیه ۴۱ سوره عبس، عبارت: «تَرَهَقَهَا قَتْرَةٌ» اشاره به فرو رفتن گناهکار در ابری سیاه از غم و اندوه دارد.

سیاهی شب: در سوره بقره آیه ۱۸۷: «مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» رنگ سیاه به سیاهی شب دلالت دارد.

رنگ راه‌ها در کوه‌ها: در عبارت: «مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ» در سوره فاطر آیه ۲۷، غَرَابِيبُ سُودٌ، به معنای بسیار سیاه و سیاه پررنگ معنا می‌دهد که بر رنگ راه‌ها ورگه‌ها در کوه دلالت می‌کند.

رنگ گیاهان خشک: در آیه ۵ سوره اعلی: «فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى»، احوی به رنگ سیاه دلالت دارد.

موضوعی که از همان آغاز در زمینه منظر معنایی رنگ‌ها در قرآن، قابل بررسی است، میزان اندک دلالت معنایی رنگ از طریق فرم کنایی آن‌ها است. در یک تحقیق، نشان داده شده که نمله‌های انحرافی، از سه دسته کارکرد کنایی ساختاری، جهت‌گیری و هستی‌شناسانه در استفاده از عوامل بصری همچون رنگ سیاه برای انحراف فکری مخاطبان خود استفاده می‌کنند تا به وسیله آن پیام ایده‌های انحرافی خود را با قدرت در ذهن مخاطب نهادینه کنند (Lakoff, & Johnson, 1980, p.18-20). فراوانی دلالت‌های واقع‌گرایی رنگ‌ها در قرآن، در تقابل با این نوع کارکردها، قابل توجه است.

یوسف آیه ۸۴: «وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ» رنگ سفید بر نابینا شدن چشمان حضرت یعقوب(ع) از شدت اندوه دلالت می‌کند. در سوره مریم آیه ۴ نیز، رنگ سفید، به صورت شعله‌ای بر روی سر «أَشْتَلَّ الرَّأْسُ سُبْيًا» به کار برده شده، که نشان پیری است.

رنگ نور صبحگاهی: در سوره بقره آیه ۱۸۷ عبارت «الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ» اشاره به نور سفید صبحگاه دارد.

رنگ راه‌هایی که در کوه‌ها وجود دارند: در این آیه «مِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ» اشاره دارد به جاده‌هایی به رنگ سفید.

رنگ شراب بهشتی: عبارت «بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ» که در آن رنگ سفید به «کأس» برمی‌گردد.

شدت رنگ سفید حوریان: در عبارت «كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ» بیض به معنای تخم (شترمرغ) است که حوریان از شدت سفیدی به آن تشبیه شده‌اند.

۲-۶. رنگ زرد

رنگ زرد با دقت فراوان به صورت سه طیف در قرآن کریم آمده است. مهم‌ترین نکته درباره رنگ زرد این است که در هر سه حالت، قرآن کریم این رنگ را در توصیف واقع‌گرایانه رنگ حیوان و گیاه استفاده نموده است. و تنها در یک مورد به اکسپرسیون رنگ زرد اشاره می‌کند و فرح بخشی رنگ زرد شتری برای انسان را بیان نموده است.

موی شتر: در آیه ۳۳ سوره مرسلات: «كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ» رنگ زرد برای رنگ موی شتر بکار رفته است.

رنگ گاو بنی اسرائیل: در آیه ۶۹ سوره بقره، برای رنگ گاو: «إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لَوُثِهَا تَسْرُّ النَّاطِرِينَ» مورداستفاده قرار گرفت که رنگ فرح‌بخش برای بینندگان نیز معرفی شده است.

رنگ گیاهان خشک: رنگ زرد (مایل به قهوه‌ای) در سوره حدید آیه ۲۰ و نیز سوره ۲۱: «ثُمَّ يَهِيحُ قَتْرَاهُ مُصْفَرًّا» خشک شدن گیاه، و نیز زردی خزان گیاه و در سوره روم آیه ۵۱: «أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا» پژمردگی گیاه دلالت می‌کند.

۳-۶. رنگ قرمز

رنگ قرمز در دو سوره قرآن ذکر شده است.

رنگ راه‌ها در کوه‌ها: در آیه ۲۷ سوره فاطر: «جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا» برای نشان دادن رنگ راه‌ها در کوه‌ها.

رنگ آسمان: در سوره الرحمن: «فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ» برای توصیف رنگ آسمان کره زمین در هنگام قیامت از رنگ قرمز استفاده نموده است.

۴-۶. رنگ سبز

این رنگ، هم برای گیاهان و هم برای پوشش انسان مورداستفاده قرار گرفته است.

سبزی گیاهان: رنگ سبز در سوره حج آیه ۶۳: «فَتَصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً» و سوره انعام آیه ۹۹: «فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا» که به سبز شدن گیاهان بعد از بارش باران اشاره دارد. همچنین این رنگ به رنگ سبز هفت خوشه در خواب عزیز مصر اشاره دارد که در آیات ۳۳ و ۴۶ سوره یوسف: «سَعَّ سُبُلَاتِ خَضِرٍ» به کار رفته است.

جدول ۱: کارکرد معنایی رنگ سفید در کنایات فارسی
 Table 1: The Semantic Function of White in Persian irony

استخوان سفید (روز)، سپیدپهنا (صبح کاذب)، سپیدبالا / خیط ایض (صبح صادق)، زمین سفید (زمین خالی)، کف سفید (برف)، نان سفید فلک (ماه)، باز سپید پر (خورشید)، روز سپید (روز خوش)، زال سپیدرو، زال سرسپید سپه‌دل (دنیا) White bone (day), white arena (false morning) White Height /Khit- Al - Abyaz (True morning), White Earth (Empty Earth), White seabed (Snow), White Bread (Moon), White Feathered Eagle (Sun), White Day (Good Day), White Zaal's Face, Zaal with White Head and Black Heart (World)	توصیف پدیده طبیعی Description of the natural phenomenon
ریش به دوغ سفید کردن / ریش (یا مو) در آسیا یا از آسیا سفید کردن / نادان بودن، سفیدرو / سپید روی (سر بلند و سعادت‌مند)، کف سفید (صاحب‌همت)، سپیدکار (نیکوکار)، زبان سپید کردن (عجز و فروتنی)، مطبخ سفید داشتن (بخیل بودن)، سپید شدن خون (بی‌مهری و سنگدلی)، سپید کرده مو (با تجربگی)، چشم سفیدی کردن (گوش ندادن به نصیحت‌ها) Whitening the beard/ Beard (or hair) in mill Whitening/ (being ignorant), White face/ white face (high and blessed), white hand (hardworking), white working (philanthropist), white language (humility), white kitchen (jealous), white blood (cruelty), white hair (with experience), Whitening the eyes (not listening to advice)	توصیف وضعیت معنوی انسان Description of the spiritual condition of man
مژگان سفید کردن / سپید شدن سر / سپید شدن موی (بیان پیری و فوت شدن)، چشم سفید / دیده سفید / دیده سفید کردن (نابینایی)، سر دندان سفید کردن، سپیدی دندان، لب سفید کردن (خندیدن)، سپیده دمان: (سفید شدن مو) Eyelash whitening/ whitening of the head/ whitening of the hair (expression of aging), White eyes (Blind), Teeth whitening, Teeth whitening, Lip whitening (Laughter), Dawn (Hair whitening)	توصیف وضعیت جسمانی انسان Description of the physical condition of man
سفید/سپید شدن / سپید آمدن (ظاهر و نمودار گشتن) White / whitening / whitening (appearance)	بیان آشکار و ظاهر بودن Being visible and visible
سپید دست / صاحب کف بیضا / ید بیضا: کنایه از موسی علیه‌السلام. The White Hand/ The Owner of the Hand of Bayza/ The Hand of Bayza/ (A irony of Moses.)	توصیف رنگ معجزه Miracle color descriptions

۷. رنگ‌ها و مفاهیم آن‌ها در کنایات فارسی

صفر (سبزه)، سیاه، (اسود)، سبز پررنگ (مُدّه‌امّان)، قرمز (احمر، وردة) و آبی (ازرق) با کنایات فارسی بدون احتساب مترادف‌هایشان، خواهیم پرداخت.

رنگ‌ها در کنایات فارسی به نحو قابل ملاحظه‌ای در معناسازی مشارکت می‌کنند. رنگ‌ها در مجموعه‌ای که از ۱۳۷۱ کنایه فارسی جمع‌آوری شده، به کاررفته، عبارت‌اند از: سفید: (سپید، بیضا، قاقم نمای، گازی، شیری، مرمی، عاجی رنگ، کافور رنگ، رومی)، سیاه: (سیه، مشکین، اسود، زاغ رنگ، قیری، آبنوسی، کحلی رنگ، زنگی، هندو، ادهم، افیون)، سیاه و سفید: (ابلق، روم و زنگ، روم و هندو)، قرمز: (احمر، سرخ، گلگون رنگ، عنابی، ارغوانی، مریخی، گل شراب، زمردی)، سبز: (اخضر، چمنی، سدابی، ازرق و زرقا، شنگرفی)، آبی: (مینایی، مینو فام، سرمه‌ای، نیلی، لاجوردی)، کبود ازرق، بنفش: (بنفشه گون)، زرد: (زرنبخ رنگ، کهربایی)، طلائی، نقره‌ای، فیروزه‌ای. اما در این پژوهش فقط به بررسی مفاهیم رنگ‌های مشترک به کاررفته در قرآن کریم یعنی سفید (ایض)، سبز (اخضر)، زرد (فاقع،

۷-۱. سفید (سپید)

رنگ سفید در مجموعه کنایات جمع‌آوری شده به اشکال زیر به کاررفته است (جدول ۱).
 از دیگر کنایاتی که رنگ سفید در آن‌ها کارکرد داشته می‌توان به سپید کردن جامه (قماش) به معنای شستن جامه اشاره کرد.

۷-۲. رنگ زرد

رنگ زرد نیز به صورت زرد، زرد مایل به قهوه‌ای (کهربایی) در کنایات جمع‌آوری شده وجود دارد (جدول ۲).

جدول ۲: کارکرد معنایی رنگ زرد در کنایات
 Table 2: The Semantic Function of Yellow in ironys

چوگان کهربائی (هلال ماه)، مهره کهرباگون (زمین)، افعی زرقام (آسمان)، دیبای زرد / ریحان زرد (اشعه خورشید) روباه زرد / زردمی / زرده کامران / شاهد رخ زرد / قطره زرد / گل زرد فلک (خورشید)، قلعه کهرباگون (دنیا) Amber poles (crescent moon), amber beads (earth), golden aster snake (world) Yellow Silk/ Yellow Basil (Sun Rays) Yellow Fox/ Yellow Kamran/ Witness Yellow Face/ Yellow Drop/ Yellow Flower of the World (Sun), Amber Castle (World)	توصیف پدیده طبیعی Description of the natural phenomenon
رنگ‌زردی کشیدن (خجل)، روی زرد / زرد رخ (پریشان)، زرداب ریزی (بدخویی)، شلوار زرد کردن (ترس شدید)، زردگوش (منافق)، کهربارنگ (دزد) Yellow tolerance (embarrassment), yellow/ yellow face (distressed), stomach acid shedding (malignancy), pants yellowing (extreme fear), yellow ears (hypocrite), amber color (thief)	توصیف وضعیت معنوی انسان Description of the spiritual condition of man
خوناب زرد (اشک)، افعی کاه ربا پیکر (شعله آتش)، زرد پاره (پارچه علامت یهودیان) Yellow blood (tears), Amber Viper (Flame), Yellow Torn (Jewish Mark Textile)	توصیف یک مکان یا شیء Description of a place or object

جدول ۳: کارکرد معنایی رنگ قرمز در کنایات
Table 3: The semantic function of red in irony

<p>سرخ زنبوران (سر انگشتان)، گل سرخ (چهره)، سرخاب (خون)، اشک خونین (گریه با غم و اندوه) Red bees (fingers), red flowers (faces), reds (blood), bloody tears (crying with grief)</p>	<p>توصیف وضعیت جسمانی انسان Description of the physical condition of man</p>
<p>چشم سرخ کردن (عاشق شدن)، دندان سرخ کردن (طمع کردن)، سرخ چشم (جلاد)، سرخ شدن (خجالت کشیدن)، دندان خونین شدن (صبر کردن)، موت احمر (مرگ سخت) Eyes red (fall in love), Teeth red (Greed), Red eyes (Executor), Face red (Embarrassed), Teeth bleeding (Wait), Red Death (Hard death)</p>	<p>توصیف وضعیت معنوی انسان Description of the spiritual condition of man</p>
<p>کبریت احمر / گوگرد سرخ (اکسیر)، گوگرد سرخ زردشتی (آتش)، گلگون کمیت (شراب سرخ)، اسود و احمر (حبش و روم) Red matches / Red Sulfur (Elixir), Zoroastrian Red Sulfur (Fire), Rosy Horse (Red Wine), Aswad & Red (Ethiopia) And Roman</p>	<p>توصیف یک مکان یا شیء Description of a place or object</p>
<p>قرمزی روز (شفق) زر رومی سرخ سپهر / زر سرخ سپهر / طفل خونین (خورشید) Day Red (Aurora) Roman Gold Sky Red / Sky Gold / Bloody Child (Sun)</p>	<p>توصیف پدیده طبیعی Description of the natural phenomenon</p>

۳-۷. رنگ قرمز

در جدول ۳ کارکردهای معنایی رنگ قرمز قابل مشاهده است.

۵-۷. رنگ کبود

در کنایات فارسی رنگ کبود، بر آبی و آبی تیره دلالت می کند (جدول ۵).

۴-۷. رنگ سبز

در جدول ۴، کارکردهای مختلف رنگ سبز در کنایات را می توان مشاهده نمود. ۶-۷. رنگ سیاه (سیه، مشکین، اسود) در جدول ۶ کارکردهای معنایی رنگ سیاه نشان داده شده است.

جدول ۴: کارکرد معنایی رنگ سبز در کنایات
Table 4: The semantic function of green in irony

<p>سبز حریر (سبزی بستان)، سبزان چمن (درختان)، سبز شدن دانه؛ (رشد دانه)، سرسبزی (حیات و زندگی)، چادر سبز (شب)، جرعه های سبز تشت (ستارگان)، حقه سبز / خرگاه سبز گاو پشت / دریای سبز / سبزه تشت / سبزی ایوان / سبزی جوی / سبزی پل / سبزی خنگ شמוש / سبزی خون / سبزه / سبزی زاغ سبزی طاوس / سبزی طاق / سبزی طشت / سبزی غطا / سبزی فرش / سبزی کارگاه / سبزی کوشک / سبزی گلشن / سبزی گنبد / سبزی تبرک / سبزی منظره / سبزی میدان / سبزی میل / سبزی طشت معلق / سبزی منظر / بادبان اخضر / بام اخضر / بحر اخضر / چرخ اخضر / خرگاه اخضر / قبه اخضر / چرخ اخضر / چرخ اخضر / خضرا / خضرا / خضرا / طارم اخضر / کله خضرا / لب خضرا / مظه خضرا / هفت والای خضرا (آسمان)، سبزی دوتای (شب)، مشعبدان حقه سبز (ماه و خورشید)، کوه اخضر (کوه قاف) Green grass (garden vegetable), grass green (trees), seed germination (seed growth), greenery (life and life Green Tent (Night), Green Droplets (Stars), Green Bag / Green Stables on Top of the Cow, Green Basin / Green porch / Rainwater Green / Bridge Green / Shmus Green / Table Green / Village Green / Green Raven / Peacock Green / Green Vault / Green Pan / Carpet Green / workhouse Green / Green Residence / Green Garden / Green Dome / Landscape Green / Green Square / Green Mill / Green Suspended Pans / Green Sail / Green Roof / Green Sea / Green Wheel / Green Tent / Green Dome / Green Wheel / Green Seven (Sky), Green Double (Night), Green Bag (Moon and Sun), Green Mountain (Gaff Mountain)</p>	<p>توصیف پدیده طبیعی Description of the natural phenomenon</p>
<p>باغ سبز نمودن (فریب دادن)، سبزی بخت (سعادت مند)، خضراء دمن (زن زیبا در جای بد) سر کسی سبزی بودن (شاد بودن)، سبزی پای (مدبر) Showing the green garden (deceiving), green fortunate (happy), desert green (beautiful woman in a bad place) being green (being happy), green feet (resourceful)</p>	<p>توصیف وضعیت معنوی انسان Description of the spiritual condition of man</p>
<p>سبزی باغ (بدن آدمی)، سبزی تلخ / سبزی شیرین / سبزی ک / سبزی گندم گون (معشوق سبزه) سبزی شدن پوست (کبودی اندام)، سبزی شدن خط / طوق سبزی (ریش بر آوردن)، سبزی شدن مغز (کبودی مغز)، چشمه اخضر (لب و دهان معشوق) Green garden (human body), bitter green / sweet green / green / wheat green (beloved green) Skin green (limb bruise), mustache / collar green (bearded), brain green (bruise), green fever (lover's mouth and mouth)</p>	<p>توصیف وضعیت جسمانی انسان Description of the physical condition of man</p>
<p>شقه سبزی (روپوش خانه کعبه)، طاوس پران اخضر (فرشتگان)، سبزی پوش / سبزی پوشان فلک (بهشتیان، خضر، ملائکه) Green cloth (Kaaba house cover), Green peacock (angels), Green sky wearers (Heavenly-green-angels)</p>	<p>توصیف پدیده های ایده آل بهشتی Description of ideal heavenly phenomena</p>



جدول ۵: کارکرد معنایی رنگ کبود در کنایات
 Table 5: The Semantic Function of Bruise Color in Verbs

چادر کبود / چرخ کبود / چرخ کبودجامه / خیمه کبود / دولاب کبود / حصار کبود / دیبای کبود / سپهر کبود / کبود کبود ایوان / کبود پشت / کبود خراس / کبود تشت / کبود حصار / رواق کبود / گنبد کبود / کبود غدیر / کله کبود (آسمان) Livid tent / livid wheel / livid tent / livid lounge / livid fence / livid carpet / livid lounge / livid porch / livid pan / livid fence / livid porch / livid dome / livid Ghadir / livid Burgundy (sky)	توصیف پدیده طبیعی Description of the natural phenomenon
کوروی و کبودی (سیه روزی، بد حالی و غم و اندوه) Blindness and Bruising (Darkness, Misery, and Grief)	توصیف وضعیت معنوی انسان Description of the spiritual condition of man

جدول ۶: کارکرد معنایی رنگ سیاه در کنایات
 Table 6: The Semantic Function of Black in Conjecture

دیوان سیاه کردن (گناه کردن)، رو سیاه / سیاه درون / سیاه کار / سیاه نامه (بدکار، گناهکار)، سیاهه زن بدکاره، سیاه دست / سیه کاسه (بخیل)، سیاه روز / سیه گلیم (بدبخت)، سیاه گلیم (مدبر اما بی منصب) Black case (black off), black face / black inside / black work / black letter (malicious, guilty) / Black (whore), Black Hand / Black Bowl (jealous), Black Day / Black Glim (miserable), Black carpet (resourceful but unofficial)	توصیف وضعیت معنوی انسان Description of the spiritual condition of man
شعر سیاه (شب)، غراب سیه، سمور سیه (شب)، زال مو سیه، مشکین مهره (دنیا)، سواد سپهر (آسمان) Black Poetry (Night), Black Raven, Black Otter (Night), Black Haired Zaal, Black Bead (World), Black Sky (Sky)	توصیف پدیده طبیعی Description of the natural phenomenon
سیاه بادام / سیاه چشم / مژگان سیاه (زیبایی چشم معشوق)، چوگان مشکین (زلف)، سیه سر (ادمیزاد) Black almonds / Black eyes / Black eyelashes (Beauty of the beloved eye), Black polos (Gold), Black heads (Human)	توصیف وضعیت جسمانی انسان Description of the physical condition of man
مرز مشکین سواد (هندوستان)، سیه خانه (زندانی)، سیاه خانه وحشت (قبر)، نهنگ سیاه (شمشیر آبدار)، سیه خانه آبنوسی (نی با چوب آبنوس) Black border (India), black house (prison), black house of horror (grave), black whale (juicy sword), ebony black house (ebony straw)	توصیف یک مکان یا شیء Description of a place or object
زور بر خاک سیه آوردن (کشاورزی)، گلیم از سیاهی بیرون آوردن (نجات یافتن)، قلم در سیاهی نهادن (خط بطلان بر حرف کسی کشیدن)، زر به سنگ سیاه کشیدن (عیار ستجی)، راه سیاه کردن (بی نام و نشان کردن کسی) تسوید (نوشتن) اوقات سیاه کردن (ضایع کردن وقت)، چشم سیاه کردن (طمع کردن)، سیاهی کردن (غضب کردن)، روی سیاه گردیدن (خجالت کشیدن) Force black soil (agriculture), remove carpet from black (rescue), Put the pen in the black (invalidate anyone's words), rub the gold on black (measure), Black out (anonymize) black (write) black out (waste of time), black out eyes (greed), black out (anger), black face (embarrassment)	توصیف یک عمل Description of an action

نتیجه گیری

رنگ به عنوان یکی از عناصر بصری، نه تنها از جنبه های فیزیکی برای انسان ها مورد توجه بوده، بلکه برای بیان احساسات، توصیفات، تخیلات، رمزا و نمادها و دیگر شئون انسانی نیز کاربرد داشته است. وسعت حوزه کارکرد رنگ ها، به حدی است که هم در زبان و ادبیات مخلوق و هم در کتاب خالق، به وضوح حضور دارد. در قرآن کریم، نیز رنگ ها برای بیان معنا به کار گرفته شده اند. در زبان فارسی نیز، ادبیات کنایی از طریق کاربرد رنگ ها در کنایات، مفاهیم متفاوت و گاه منحصر به فردی را خلق نموده است. این پژوهش با جمع آوری دسته بندی و تحلیل و تطبیق معانی رنگ ها در این دو منبع مهم فرهنگی، نتایج زیر را حاصل نمود:

الف) از یافته های مهم این پژوهش، این است که منظر معنایی رنگ ها در قرآن کریم، عمدتاً، دلالت های واقع گرایانه دارند و کارکرد کنایی و اکسپرسیو آن ها، بسیار اندک است.

ب) رنگ ها در قرآن کریم به جهت توصیف وضعیت معنوی انسان در قیامت، توصیف وضعیت جسمانی انسان، توصیف طبیعی (گیاه، حیوان، طبیعت)، توصیف رنگ معجزه خاص، توصیف پدیده های ایده آل در بهشت، توصیف فرا واقع گرایانه از پدیده طبیعی در قیامت بکار گرفته شده است.

ج) رنگ ها در کنایات فارسی، در چهار دلالت معنایی رنگ در قرآن کریم که در بالا ذکر شد، یعنی توصیف پدیده طبیعی (گیاه، حیوان، طبیعت)، توصیف وضعیت جسمانی انسان، توصیف رنگ معجزه و توصیف پدیده های ایده آل در بهشت، مشترک هستند.

د) رنگ ها در کنایات فارسی، گاهی برای بیان آشکار و ظاهر بودن و نیز توصیف یک مکان یا شیء و نیز بیان یک عمل نیز به کار

رنگ به عنوان یکی از عناصر بصری، نه تنها از جنبه های فیزیکی برای انسان ها مورد توجه بوده، بلکه برای بیان احساسات، توصیفات، تخیلات، رمزا و نمادها و دیگر شئون انسانی نیز کاربرد داشته است. وسعت حوزه کارکرد رنگ ها، به حدی است که هم در زبان و ادبیات مخلوق و هم در کتاب خالق، به وضوح حضور دارد. در قرآن کریم، نیز رنگ ها برای بیان معنا به کار گرفته شده اند. در زبان فارسی نیز، ادبیات کنایی از طریق کاربرد رنگ ها در کنایات، مفاهیم متفاوت و گاه منحصر به فردی را خلق نموده است. این پژوهش با جمع آوری دسته بندی و تحلیل و تطبیق معانی رنگ ها در این دو منبع مهم فرهنگی، نتایج زیر را حاصل نمود:

الف) از یافته های مهم این پژوهش، این است که منظر معنایی رنگ ها در قرآن کریم، عمدتاً، دلالت های واقع گرایانه دارند و کارکرد کنایی و اکسپرسیو آن ها، بسیار اندک است.

ب) رنگ ها در قرآن کریم به جهت توصیف وضعیت معنوی انسان در قیامت، توصیف وضعیت جسمانی انسان، توصیف طبیعی (گیاه، حیوان، طبیعت)، توصیف رنگ معجزه خاص، توصیف پدیده های ایده آل در بهشت، توصیف فرا واقع گرایانه از پدیده طبیعی در قیامت بکار گرفته شده است.

ج) رنگ ها در کنایات فارسی، در چهار دلالت معنایی رنگ در قرآن کریم که در بالا ذکر شد، یعنی توصیف پدیده طبیعی (گیاه، حیوان، طبیعت)، توصیف وضعیت جسمانی انسان، توصیف رنگ معجزه و توصیف پدیده های ایده آل در بهشت، مشترک هستند.

د) رنگ ها در کنایات فارسی، گاهی برای بیان آشکار و ظاهر بودن و نیز توصیف یک مکان یا شیء و نیز بیان یک عمل نیز به کار



را به چشم نسبت داده و هر دو نیز، بدحالی و سیه‌روزی و غم و اندوه را مراد کرده‌اند. رنگ سیاه نیز در قرآن کریم و کنایات فارسی، برای توصیف وضعیت معنوی انسان به کار برده شده که در قرآن کریم اشاره مستقیم به قیامت دارد مانند سیاه شدن چهره به خاطر مشاهده عذاب، کفر بعد از ایمان و تکبر و دروغ بستن به خدا. در کنایات فارسی نیز از این رنگ برای بیان وضعیت معنوی انسان هم در دنیا و هم در قیامت استفاده شده مانند دیوان سیاه کردن، سیاه‌کار، سیاه‌نامه و روسیاه. همچنین در قرآن کریم و کنایات در کارکرد رنگ سیاه برای بیان رنگ شب (سیاهی شب) اشتراک عین به عین برقرار است.

نشو و نمای اسلام در ایران، بر زبان و ادبیات فارسی، هم از نظر محتوا و هم از نظر ساختار تأثیرات فراوانی گذاشت. تأثیراتی نظیر ورود واژه‌ها و اصطلاحات و قصص قرآن کریم، تغییر الفبا و رهیافت‌های ترجمه‌ای و نوشته شدن واژه‌نامه‌های قرآن کریم، دایره واژگان و معانی زبان فارسی را افزایش داد. این تأثیرات را می‌توان در حوزه ادبیات کنایی فارسی نیز مشاهده نمود. به نحوی که کارکرد کنایی رنگ سفید، مستقیماً به داستان قرآن کریم معجزه داستان حضرت موسی (ع) اشاره دارد. لازم به ذکر است که پیش از قرآن کریم این معجزه در کتاب عهد قدیم در سفر خروج فصل چهارم آیه هفت نیز ذکر شده بود. همچنین، رنگ سبز نیز، مانند قرآن کریم برای لباس بهشتیان استفاده شده است. همچنین، چنانکه نشان دادیم، برخی از کنایات فارسی، کارکردی که در قرآن کریم ذکر شده است، به رنگ اعطا نموده‌اند. مانند رنگ سیاه، در کنایاتی نظیر: سیه‌نامه (کسی که نامه اعمالش سیاه باشد)، دیوان سیاه کردن (گناه کردن). یا رنگ کبود در قرآن کریم فقط برای چشم انسان‌های گناهکار که در قیامت اندوهگین هستند بکار رفته است. این رنگ به‌جز آنکه در کنایات، به‌عنوان رنگ آسمان نیز به کار رفته، همین منظر معنایی را در کنایه آن هم برای چشم انسان در عبارت «کوری و کبودی» به معنای سیه‌روزی، بدحالی و غم و اندوه دارد اما تفاوت در این است که به زمان خاصی مثل قیامت اشاره ندارد.

می‌روند که چنین کاربردهایی در قرآن کریم درباره رنگ وجود ندارد. در عوض، رنگ در قرآن کریم برای توصیف فرا واقع‌گرایانه از پدیده طبیعی در قیامت نیز به کار می‌رود که در کنایات فارسی نمونه این کارکرد رنگ وجود ندارد. همچنین در تطبیق دلالت‌های معنایی هر یک از رنگ‌ها در قرآن کریم و کنایات فارسی نتایج روشن‌کننده‌ای به دست آمد.

بدین معنا در زمینه کاربرد رنگ سفید، قرآن کریم و کنایات فارسی، هر دو در سه مورد باهم اشتراک دارند. رنگ سفید برای توصیف پدیده طبیعی برای نشان دادن نور صبحگاهی، همچنین برای توصیف وضعیت جسمانی انسان یعنی پیری و نابینایی و نیز توصیف رنگ دست حضرت موسی (ع) در معجزه‌اش، اشتراک کاربرد دارند. هم‌چنین رنگ زرد در قرآن کریم برای توصیف پدیده طبیعی، هم برای گیاه و هم برای حیوانات شتر و گاو استفاده شده است و در کنایات فارسی هم برای توصیف پدیده‌های طبیعی مانند ماه، زمین، خورشید، دنیا و فلک به کار رفته و اشتراکی از نظر نوع پدیده طبیعی، میان قرآن کریم و کنایات به دست نیامد. در زمینه کارکرد رنگ قرمز، تنها اشتراک معنایی این رنگ در قرآن کریم و کنایات فارسی، برای توصیف پدیده طبیعی بود، که در قرآن کریم برای نشان دادن رنگ راه‌ها در کوه‌ها و در کنایات، برای بیان شفق و خورشید استفاده شده است.

رنگ سبز، هم در قرآن کریم و هم در کنایات فارسی، از دو منظر اشتراک دارد. هم در قرآن کریم رنگ سبز در به تصویر کشیدن رشد گیاهان و حیات زمین اشاره دارد و هم در کنایات. همچنین نقطه مشترک دیگر این است که هم قرآن کریم و هم کنایات فارسی، به سبزرنگ بودن لباس بهشتیان به‌طور دقیق اشاره کرده‌اند. همچنین رنگ کبود، در قرآن کریم و در کنایات فارسی، توصیف‌کننده وضعیت معنوی انسان است اما تفاوت در این است که قرآن کریم این وضعیت معنوی را در قیامت ولی کنایات، در دنیا توصیف می‌کنند. نکته جالب اینجاست که هم قرآن کریم و هم کنایات، برای توصیف، این را رنگ

پی‌نوشت‌ها

1. Soheila Amirsoleimani is Assistant Professor of History at the University of Utah.

2. Rudi Paret
3. Image

References

- Aboo Saood, M. E. M. (1411). Ershadol Aghlol Salim Ela Mazaia Alghoranol Karim, Beirut, Dar Ehiae Altorasol Arabiah. [in Arabic]
- Ahmadnejad, K. (2003). Meaning and Expression, Tehran: Zavar Pub. [in Persian]
- [احمدنژاد، کامل. (۱۳۸۲). معانی و بیان. تهران: زوار.]
- Al-Darwish, M. al-Din. (1994). Expression of the Holy Quran and its statement, 4th edition, Dar Al-Irshad for University Affairs: Syria. [in Arabic]
- [الدرویش، محی‌الدین. (۱۹۹۴). اعراب القرآن الکریم و بیان. الطبعة الرابعة، دار الارشاد للشؤون الجامعية: سوريا.]
- Al-Qazwini, Khatib J. M. A. (1424). Clarification in the science of rhetoric, Ibrahim Shamsuddin, House of scientific books: Beirut. [in Arabic]
- [القزوينی، الخطیب جلال‌الدین محمدبن عبدالرحمن. (۱۴۲۴) الايضاح فی علوم البلاغة. بتحشیه ابراهیم شمس‌الدین، الطبعة الاولى، دار الکتب العلمیه:

- [بیروت.]
- Alshaher, A. (2002). Alasarol Nafsi Lellon, Majallatol Mooghefol Adabi, Aladad 379, [in Arabic]
- Amirsoleimani, S. (1999). Truths and lies: Irony and intrigue in the Tarikh-Bayhaqi. Iranian Studies Journal, 32(22): 43-259.
- Anvari, H. (2004). The Encyclopedia of ironys. Two Volumes, Tehran: Sokhan Publishing. [in Persian]
- [انوری، حسن. (۱۳۸۳). فرهنگ کنایات سخن، دو جلدی، تهران: انتشارات سخن.]
- Al-Taalabi, A. M. (1998). Al-nkayyah and al-ta'riz. A Description and Research by Aisha Hossein Farid, Publication: Dar Ghaba. [in Arabic]
- [التعالی، ابومنصور. (۱۹۹۸). الکنایه و التعریض. دراسة و شرح و تحقیق عائشه حسین فرید، انتشارات: دار قباء.]
- Al-Zamakhshari, M. O. (1417). Disclosure of the facts of the mysterious download and the eyes of gossip in the faces of

hermanotic. Third edition, Darlkatab al-Arabi. [in Arabic]
 [الزمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و
 عیون الاقوابیل فی وجوه التاویل. الطبعة الثالثة، دارلکتاب العربی.]
 Asfoor, J. (2003). Alnaghdol Adabi, First Edition, Beirut: Darol
 Kotobal Bananiiah.
 Azizipour, M. R., Bavani Pouri, M., Ahmadpanah, M., & Nemati,
 F. (1979). The Symbolic Application of Colors in the Holy
 Quran. Quran Studies Quarterly, 9(33): 163-179. [in Persian]
 [عزیزی‌پور، محمدرضا، باوان پوری، مسعود، احمدپناه، مصطفی، و نعمتی، فاروق.
 (۱۳۹۷). کاربرد نمادین رنگ‌ها در قرآن کریم. فصلنامه مطالعات قرآن
 کریم، ۹(۳۳): ۱۶۳-۱۷۹.]
 Bakhtiari, F. & Zangi, B. (2014). Investigating the Visual
 Structure of the Flags of World Countries; by Studying the
 Color, Sign and Text of 196 Formal Flags. Art and
 Architecture, Art Research (ISC), 5:165-170. [in Persian]
 [بختیاری، فریبا، و زنگی، بهنام. (۱۳۹۳). بررسی ساختار بصری پرچم کشورهای
 جهان؛ با مطالعه رنگ، نشانه و نوشتار ۱۹۶ پرچم رسمی. هنر و معماری،
 پژوهش هنر (ISC)، ۵: ۱۶۵-۱۷۰.]
 Bistonii, M. (2006). Chronology from the Perspective of the Holy
 Quran and Hadith (The Psychology of Colors and the
 Study of the Colors mentioned in the Holy Quran). Qom:
 Young Expression. [in Persian]
 [بیستونی، محمد. (۱۳۸۵). رنگ‌شناسی از دیدگاه قرآن کریم و حدیث
 (روان‌شناسی رنگ‌ها و بررسی ۵ رنگ ذکر شده در قرآن کریم). قم: بیان
 جوان.]
 Bolverdi, T. (2008). Colors and Messages in the Holy Quran.
 Meshkat Quarterly, 98: 75-86. [in Persian]
 [بلوردی، طیبه. (۱۳۸۷). رنگ‌ها و پیام‌ها در قرآن کریم. فصلنامه مشکوه، ۹۸:
 ۷۵-۸۶.]
 Cover, L. B. (1975). Anthropology for Our Time. Oxford Book
 University Company.
 Fouladvand, M. M. (1994). Quran Translation. First Edition,
 Publications of the Bureau of Islamic History and Studies).
 [in Persian]
 [فولادوند، محمد مهدی. (۱۳۷۳). ترجمه قرآن کریم. چاپ اول، انتشارات دفتر
 مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.]
 Johns, A.H. (1993). In search of common ground: The Qur'an as
 literature?, Journal Islam and Christian-Muslim Relations,
 4(2): 191-209.
 Kazazi, Jalaluddin. (1989). the Aesthetics of Persian Speech,
 Tehran, Center Publication. [in Persian]
 [کزازی، جلال‌الدین. (۱۳۶۸). زیبایی‌شناسی سخن پارسی، تهران، نشر مرکز.]
 Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). Conceptual metaphor in
 everyday language. The Journal of Philosophy, 77(8): 453-
 486.
 Mohammadi Hassanabadi, F. (2014). A Semiotics Approach to
 the Concept of Color and Its Application in the Holy
 Quran. Quarterly Linguistic Research Quarterly, 3(1): 77-92.
 [in Persian]
 [محمدی حسن‌آبادی، فیروزه. (۱۳۹۳). رویکرد نشانه‌شناختی به مفهوم رنگ و
 کاربرد آن در قرآن کریم. دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های
 قرآنی، ۳(۱): ۷۷-۹۲.]
 Rahman, Yusuf. (2012). The Qur'an as Literature: Literary
 Interpretation of the Qur'an, Journal of Qur'an and Hadith
 Studies, 1(1): (23-40).
 Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (1987). The Image of
 Imagination in Persian Poetry, Tehran, Agah Publications.
 [in Persian]
 [شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۶). صور خیال در شعر فارسی، تهران،
 انتشارات آگاه.]
 Shamisa, Cyrus. (2014). Meaning and Expression. Tehran: Mitra
 Publications. [in Persian]
 [شمیسا، سیروس. (۱۳۹۳). معانی و بیان. تهران: انتشارات میترا.]
 Sharifi, Ali & Jowkar, Majid. (2010). White Color from the
 Perspective of the Holy Quran and Psychology, Journal of
 Science and Education of the Holy Quran, No. 1: 163-179.
 [in Persian]
 [شریفی، علی، و جوکار، مجید. (۱۳۸۹). رنگ سفید از منظر قرآن کریم و
 روان‌شناسی. پژوهش‌نامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۷، ۱۶۳-۱۷۹.]
 Sharifi, Ali. (2017). The Color from the Perspective of the Holy
 Quran, Hadith and Psychology, Two Quarterly of the Holy
 Quran and Science, No. 14: 161-166. [in Persian]
 [شریفی، علی. (۱۳۹۶). رنگ از منظر قرآن کریم، حدیث و روان‌شناسی، دو
 فصلنامه قرآن کریم و علم، ۱۴: ۱۶۱-۱۶۶.]
 Sharif, Taregh. (1974). Alsheer Vallaafonal Tashkili, Majallatol
 Mooghefol Adabi, Aladad 7, [in Arabic]
 Tabataba'i, Mohammad Hussein, (undated) Al-Mizan al-Tafsir
 al-Karim, Fourth Edition, Ismaili Institute, Qom. [in
 Persian]
 [طباطبائی، محمد حسین. (بی تا). المیزان فی تفسیر القرآن کریم. چاپ چهارم،
 موسسه اسماعیلیان، قم.]
 Tahari, A. (2015). Investigating the Artistic Style of the Holy
 Quran in Using Different Types of irony and Deviation
 from the Wrong Word of goodness. Scientific Research
 Quarterly in Literature - The Holy Quran, 3(3): 93-93. [in
 Persian]
 [طاهری، علی. (۱۳۹۴). بررسی سبک هنری قرآن کریم در به کارگیری انواع
 کنایه و عدول از لفظ قبیح به حسن. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های
 ادبی-قرآن کریم، ۳(۳): ۹۳-۱۱۵.]
 Tajlil, J. (2011). Meaning and Expression. Second Edition,
 Tehran: University Academic Publishing Center. [in Persian]
 [تجلیل، جلیل. (۱۳۹۰). معانی و بیان. ویراست دوم، تهران: مرکز نشر
 دانشگاهی.]
 Tent, J. (2018). Out-of-the-blue Names of Paint Colors. A
 Journal of Onomastics, 66(1): 25-35.
 Trudgill, P. (1976). Sociolinguistics: An Introduction to Language
 and Society. England: published by Penguin Books.